

نقش سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدها و بازداشتن گروه‌های تروریستی از تهاجم احتمالی به مرزهای مشترک ایران با کشور عراق

اسفندیار دشمن‌زیاری*

استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

ساسان نیکدل

دانشجوی مدیریت استراتژیک دانشگاه پیام نور کرج

ساسان دشمن‌زیاری

کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی

چکیده

پژوهش حاضر با توجه به اتفاقات خاورمیانه، بویژه کشور عراق و حضور گروه‌های تروریستی با پشتیبانی برخی از همسایگان و کارشکنی تعدادی از کشورها برای جلوگیری از خطرات احتمالی علیه کشور اسلامی ما، با هدف بررسی نقش سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدها و بازداشتن از تهاجم احتمالی گروه‌های تروریستی در مرزهای مشترک با کشور عراق انجام شده است. نوع پژوهش، توصیفی و روش آن پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانشجویان رشته مدیریت استراتژیک دانشگاه‌های دولتی مستقر در تهران بزرگ، تشکیل داده‌اند. لذا سوالاتی در این خصوص مطرح شد؛ مبنی بر اینکه آیا می‌توان با تقویت نظامی، لجستیکی و مستشاری و ایجاد حس اعتماد در میان قبایل عراق موجب کاهش محبوبیت گروه‌های تروریستی شد و به حفظ امنیت مرزهای مشترک با کشور عراق کمک کرد؟ نقش غرب در حل این بحران و همکاری ایران با آن‌ها جهت مبارزه با این گروه‌های تروریستی چیست؟ برای پاسخگویی به سوالات فوق در قالب فرضیه، پرسشنامه‌ای تنظیم گردید و نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۴ نفر تعیین شد. پرسشنامه از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس میان نمونه‌ها اجرا شد. بر اساس نتایج علاوه بر فرضیه سوم، بقیه فرضیه‌ها در سطح معنادار (۰/۰۵) تأیید شدند.

واژگان کلیدی: سیاست‌های راهبردی، بازداری از تهاجم، مرزهای مشترک، گروه‌های تروریستی، عراق، ایران.

مقدمه

در جهان پرتلاطم و پیچیده امروزی، برای حفظ مرزهای یک کشور مناسب‌ترین شیوه، داشتن سیاستی مشخص با گردآوری اطلاعات لازم و دسته‌بندی آن‌ها در قالب یک برنامه راهبردی معین است؛ برنامه‌ای با اهداف قابل دسترس، متناسب با واقعیت موجود، دستورالعمل روشن و پیش‌بینی نحوه اجرا. در واقع هیچ حکومتی در دنیا فاقد این مهم نیست. طبیعتاً، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به جغرافیای سیاسی خاورمیانه و قرار گرفتن در کانون بحران‌های منطقه‌ای دارای سیاست‌های راهبردی منحصر به فردی در مسیر حفظ منافع ملی است. در همین راستا، تحقیق کنونی با توجه به اوضاع ناپایدار امنیتی پس از سقوط صدام حسین و حضور گروه‌های تروریستی در کشور عراق، در پی تعیین تأثیر راهبردهای جمهوری اسلامی در بازدارایی از تهاجم احتمالی به کشور و حفظ مرزهای مشترک است. لذا در ابتدا سعی شده است، اطلاعات جامعی درباره رویدادهای گذشته و حال عراق و منطقه جمع‌آوری شود و سپس با نگاهی سیستماتیک، تحلیلی منطقی و علمی ارائه گردد. مسأله اساسی این پژوهش، بررسی و مشخص کردن شرایط داخلی عراق در ارتباط با امنیت مرزهای کشور ایران است. قلمرو زمانی مورد نظر این تحقیق، برای بررسی و تحلیل از ژانویه ۲۰۱۴ میلادی است که گروه تکفیری داعش، مدعی ایجاد خلافت جهانی اسلام شد. از این رو، لازم شد تا زمینه و عوامل موثر بر ایجاد چنین پدیده‌ای مورد مطالعه و جستجو قرار گیرد. داده‌های مشاهده شده و مطالعه رویدادهای جهانی نشان می‌دهد که زمینه اصلی تشکیل چنین گروه‌هایی را می‌توان ناشی از واکنش بخشی از مردم مستضعف جهان در برابر ستمی باشد که سال‌ها بر کشورهای توسعه نیافته حکم فرما است. از جمله اتفاقات مهم رخ داده در این مدت را می‌توان حمله آمریکا به عراق به بهانه مبارزه با تروریست در سال ۲۰۰۳ پس از انفجار برج‌های نیویورک در ۱۱ سپتامبر و سپس شکست طالبان در افغانستان دانست (دهشیار، ۱۳۹۰: ۲۶). بعد از پیروزی سریع و سرنگونی رژیم صدام حسین، طولی نکشید که آمریکا با جنگ فرسایشی و پرهزینه‌ای روبه‌رو شد که به نوبه خود ضررهای فراوانی به پیچیدگی امنیتی درونی عراق و امنیت مرزی ایران وارد کرد و موجب شکل‌گیری هسته اولیه گروه‌های تروریستی در عراق برای مبارزه با نیروهای آمریکایی شد. به همین دلیل و به منظور پیشگیری از کاهش فشار داخلی مردم و افزایش نفرت عمومی، آمریکا بدون استراتژی از پیش تعیین شده در سال ۲۰۱۱ از عراق خارج شد. این حرکت آمریکا موجب خلأ قدرت در عراق شد (اسدی، ۱۳۸۴: ۱۱). این شرایط موجب رقابت عربستان سعودی، به‌عنوان حامی صدام حسین در دوران دفاع مقدس، با ایران گردید. این رقابت، شیعیان هوادار ایران و آتش زیر خاکستر را با سنی‌ها و بعثیون امتیاز از دست داده و مورد حمایت عربستان روبه‌روی هم قرار داد. همچنین بخشی از کردها با جدا کردن خود از گروه‌های ملی و مذهبی عراقی، راه جداگانه‌ای را در مسیر استقلال پیش گرفتند. تبعات این شرایط دامن ایران را گرفت و موجب ناامنی در مرزهای مشترک گردید. در این پژوهش، نگارنده با مبنا قرار دادن این مهم و استفاده از ادبیات و پیشینه تحقیق، طراحی سؤالات و تدوین فرضیه‌ها به آزمون فرضیه‌ها از طریق نظرسنجی

مبادرت نمود. در ادامه با استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل آماری نقش راهبردهای جمهوری اسلامی در برابر تهدیدها و تهاجم احتمالی مورد بحث قرار می‌گیرد.

راهبرد و مدیریت استراتژیک

راهبرد یا استراتژی در معنای کلاسیک خود معادل‌هایی چون هنر جنگ و لشکردهاری در تاریخ نظامی و اجتماعی امپراتوری‌های شرق باستان نظیر چین و ایران داشته است (ازغدی، ۱۳۷۸: ۲۳). اغلب گفته می‌شود؛ ریشه لغوی آن به کلمه استراتژوس یونانی بر می‌گردد که به‌عنوان لقب رهبران ارتش یونان از زمان حکومت کلیستن در سال ۵۰۸ یا ۵۰۷ قبل از میلاد مسیح رواج داشته است. کلازوتیس با تأکید بر این نکته که جنگ ادامه سیاست است، جنگ را وسیله‌ای برای دستیابی به هدف سیاسی تعبیر کرد. بدین ترتیب، نه تنها میان ابزار نظامی و هدف سیاسی ارتباط برقرار کرد، بلکه استراتژی را از بعد نظامی فراتر برد و به ابعاد سیاسی و اقتصادی و مدیریتی نیز تسری داد. در ادبیات کنونی، مدیریت استراتژیک عبارت است از جریان تصمیم‌ها و فعالیت‌هایی که منجر به ایجاد یک یا چند استراتژی مؤثر برای نیل به اهداف می‌شود. به همین طریق، فرایند مدیریت استراتژیک روشی است که در آن استراتژیست‌ها به تعیین اهداف و تصمیم‌گیری استراتژیک می‌پردازند (علی احمدی، ۱۳۸۷: ۱۱).

نگاهی به وضعیت ژئوپولوتیک و تاریخچه عراق

در ۳۰ اکتبر ۱۹۷۱ حکومت عثمانی پس از پذیرفتن قرارداد متارکه جنگ بر اساس پیمان ورسای و معاهده سور، متعهد شد از همه دعاوی خود بر مصر، لیبی و تونس صرف نظر کند. همچنین، عراق، سوریه، فلسطین، حجاز و دیگر سرزمین‌های عرب نیز واگذار شد (رفیعی، ۱۳۷۹: ۲۱۷؛ Lutskii, Vladimir Borisovich, 2000: 217). در آوریل ۱۹۲۰ کنفرانس رسو در ایتالیا تشکیل شد و مقرر گردید کشورهای عربی طبق قرارداد سایکس - پیکو تقسیم شوند (یادگاری، ۱۳۸۲: ۱۷۵). عراق در ۲۰ آبان ۱۲۹۹ (۱۱ نوامبر ۱۹۲۰) با قیومیت جامعه ملل و با عنوان و ایالت عراق، تحت کنترل بریتانیا درآمد. بریتانیایی‌ها، فیصل یکم از دودمان هاشمی را بر عراق گماردند. او سمت‌های دولتی و وزارتخانه‌ها را به اهل سنت سپرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ج ۲/ ۱۲۳). در سال ۱۹۳۲ عراق از بریتانیا مستقل شد (پارسا، ۱۳۸۰: ۶۸). غازی اول بعد از مرگ پدرش فیصل در ۱۹۳۳ حکومت را به دست گرفت. از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸ یعنی دقیقاً بعد از ۳۸ سال، نخستین کابینه عراق توسط نوری تشکیل شد (یادگاری، ۱۳۸۲). در سال ۱۹۴۶ حزب بعث با اندیشه میشل عفلق تأسیس شد. ریشه‌های حزب بعث را باید در سوریه و به سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۰ م جستجو کرد که مجامع سری با عنوان فتاه، قحطانیه و العهد به منظور مبارزه با سلطه عثمانی در کشورهای عربی ایجاد شد. در ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ برابر با ۲۳ تیر ۱۳۳۷، ژنرال عبدالکریم قاسم به کمک سرهنگ عبدالسلام عارف و نیروهایی که در اختیار داشت، در عراق کودتا کرد. (پارسا، ۱۳۸۵: ۱۷۹)

در سال ۱۹۶۰ م. حزب بعث در چنان موضع ضعیفی قرار گرفت که فؤاد رقابی قصد داشت آن را منحل کند؛ تا اینکه جمهوری متحد عربی در ۲۸ دسامبر ۱۹۶۱ م. از هم پاشید و با ناتوان شدن طرفداران جمال عبدالناصر در «عراق»، راه فعالیت برای بعثی‌ها باز شد. حزب بعث، شروع به عضوگیری کرد و حسن البکر رهبری کمیته‌های بعثی در ارتش را به عهده گرفت. او کمیته‌های نظامی را توسعه داد تا مقدمات واژگونی قاسم را فراهم سازد. با پایان رساندن رژیم عبدالکریم قاسم با نقش مؤثر سازمان اطلاعات و امنیت مخفی بعث، عبدالسلام عارف روی کار آمد. در ادامه، حزب بعث تحت رهبری حسن البکر، صدام حسین و دیگران، رژیم عارف را سرنگون کرد و نخستین رژیم شبه سوسیالیستی در عراق پایه‌ریزی شد. (توکلی و مصباحی، ۱۳۷۸: ۷۱-۶۳)

هشتمین کنگره ملی منطقه‌ای حزب بعث از هشتم فوریه تا دوازدهم ژانویه ۱۹۷۲ م. تشکیل شد. کنگره مزبور نکات مبهمی را که تا آن زمان در سیاست بعثی‌ها به صورت مبهم وجود داشت، روشن کرد. پس از آن، رفته رفته حسن البکر دست از برخی مسئولیت‌های خود برداشت و آن‌ها را به صدام حسین واگذار کرد. صدام در حزب بعث، حاکمیت مطلق به دست آورد و اوضاع را به گونه‌ای فراهم آورد که پس از مرگ حسن البکر با مشکلی برای جانشینی او مواجه نشود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۲: ج ۲ / ۷۳-۶۹)

مجموعه این رویدادها نشان از نوعی استراتژی در قالب سیاست‌های راهبردی انگلیس و دسته‌بندی مردم عراق در چارچوب ایدئولوژی و دامن زدن به اختلافات دارد. جایی که رژیم صدام حسین با وجود محور قرار دادن حزب بعث به‌عنوان یک راه حل فراگیر، بیشترین پست‌ها را به اقلیت سنی واگذار کرد. همین مسأله عقده‌های اجتماعی را دامن زد و شیعیان را به‌عنوان آتشی زیر خاکستر در کمین انفجار اجتماعی قرار داد. اکثریت مردم عراق که مذهب مشترکی با مردم ایران داشتند، برای رهایی از ستم بعثی‌ها چشم به حاکمیت ایران دوخته بودند. در این حال و با توجه به نوعی نگرش لائیک و رویکرد ملی‌گرایانه نزد حکومت پادشاهی ایران و کم‌توجهی شاه به این مهم تا حدودی سرخوردگی میان شیعیان عراق رواج یافت. با سقوط شاه و پدیده انقلاب اسلامی بارقه‌امیدی بین مردم عراق جوانه زد. حتی جنگ ایران و عراق و ترویج روحیه ملی‌گرایی عربی از سوی حکومت صدام حسین نیز نتوانست بذر تفرقه را از میان بردارد. و روز به روز تفرقه میان سنی‌ها و شیعیان عمیق‌تر شد.

روابط تاریخی - سیاسی ایران و عراق

عراق قبل از تأسیس امپراتوری عثمانی بخشی از خاک ایران محسوب می‌شد و خاندان آق‌قویونلو بر این کشور حکمرانی می‌کردند. این کشور در سال ۱۶۳۸ توسط سلطان مراد چهارم، برای همیشه از خاک ایران جدا شد.

تأسیس دولت صفوی در ایران و رسمیت یافتن مذهب شیعه (۹۰۷ ق / ۱۵۰۲ م) منازعات سیاسی میان دو کشور را از رقابت سیاسی و گسترش ارضی، به خصومت‌های مذهبی تبدیل کرد. جنگ‌های زیاد و طولانی مدت بر روابط دو کشور سایه افکند. پس از فروپاشی عثمانی،

دو عامل سیاسی سبب تشدید اختلافات مرزی ایران و عراق شد. یکی سلطه اقتصادی انگلیسی‌ها بر منابع اقتصادی عراق و نیاز آن کشور به راه‌های آبی به خلیج فارس و دیگر ظهور ناسیونالیسم افراطی (پان‌عربیسم) در کشورهای عرب؛ از جمله عراق که توسط انگلیسی‌ها برای تجزیه کامل و فروپاشی عثمانی به آن دامن زده می‌شد (لاریجانی، ۱۳۹۰). از این پس، ایران و عراق در زمینه‌هایی مانند حمایت متقابل از حرکت‌های براندازی مخالفان یکدیگر و کشمکش‌های منطقه‌ای مشکلاتی جدی داشتند. منازعه در مورد حق استفاده از اروندرود، یکی از مواردی بود که از دوره عثمانی همواره منشأ اختلاف و مناقشه میان دو کشور بوده است. (علیزاده، ۱۳۹۱) حمایت شاه از مخالفان برای براندازی رژیم عراق، جنگ کوتاه مدت دو کشور و قرارداد الجزایر از جمله حوادثی است که در زمان محمد رضا پهلوی و حسن البکر روی داد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مناقشات و اختلافات میان دو کشور بیشتر شد. در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) عراق با حمله به پایگاه‌های هوایی ایران، جنگ ۸ ساله و بی‌نتیجه‌ای را با میلیون‌ها کشته، مجروح و مصدوم آغاز کرد. صاحب‌نظران، دلایلی را برای وقوع جنگ ایران و عراق ذکر کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین آن؛ هدف صدام برای کسب جایگاه برتر در خلیج فارس و جوامع عربی بود که سال‌های متمادی آن را دنبال می‌کرد (Jack S. Levy and Mike (Froelich, 1985: 127-143) باوجود پایان جنگ پس از ۸ سال، امضای قرارداد ۵۹۸ و برقراری آتش بس؛ برخی از اختلافات میان دو کشور مانند میله‌گذاری خطوط مرزی، انعقاد قرارداد صلح دائم، لایروبی اروندرود، تعیین فلات قاره و پرداخت غرامت جنگی و مسائل دیگر همچنان حل نشده باقی ماند. (رمضان زاده، ۱۳۸۹).

پس از ناکامی صدام حسین در جنگ با ایران و عدم حصول نتایج مورد انتظار در ۱۱ مرداد سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ م.)، او با قول بوش پدر به کویت حمله و این کشور کوچک را اشغال کرد. این تصمیم عراق ترس بر اندام رژیم‌های عرب خلیج فارس انداخت و جهت پیش‌گیری از سقوط احتمالی دست به دامن آمریکا شدند. لذا، آمریکا نیز فرصت را غنیمت شمرد و در سال ۱۹۹۱ با ائتلاف برخی کشورهای منطقه به کویت حمله کرد و ارتش عراق را بیرون راند. از این حمله به جنگ اول خلیج فارس و عملیات طوفان صحرا یاد می‌شود. (Rubin, 2001: 23)

در سال ۲۰۰۳ سرانجام آمریکا با حمله به عراق موجب سقوط رژیم صدام حسین شد. آمریکا سعی داشت به قویترین دولت در میان چند قدرت بزرگ جهان تبدیل شود؛ یعنی رسیدن به هدف نهایی که هژمون شدن است، دست یابد. این هدف منجر به ناخشنودی دیگر قدرت‌های بزرگ نسبت به توزیع قدرت شد. (Smith, 2001:17)

پس از این دوران، عوامل باقیمانده از ارتش بعث با نشانه گرفتن ایران جهت تحریک طوایف سنی همه تلاش خود را برای برهم زدن وضعیت عراق و به تبع آن ناامنی در ایران به کار گرفتند.

عراق جدید، تهاجم آمریکا و شرایط سیاسی

با سقوط صدام حسین به‌عنوان نماینده حاکمیت اقلیت سنی در عراق، ساخت قدرت و سیاست در این کشور به سود شیعیان و کردها تغییر یافت. همین امر منجر به بیشتر شدن نفوذ و نقش ایران در مسائل منطقه شد. (Fuller, 2005: 157). به قدرت رسیدن شیعیان، بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان بزرگترین قدرت منطقه خلیج فارس مطرح کرد. به باور حسنی مبارک (۱۳۸۵) این امر موجب نگرانی‌های جدی در جهان عرب، به‌خصوص کشورهای خلیج فارس شد. مخصوصاً عربستان سعودی که بیشترین جمعیت شیعه را در استان شرقی و نفت‌خیز خود دارد. از دیدگاه سعودی‌ها، شیعیان این کشور همواره به‌عنوان ستون پنجم بالقوه ایران به حساب می‌آیند. بویژه که شیعیان منطقه الاحساء عربستان، پیوندهای قوی با شیعیان عراق دارند. امری که توجیه کمک سعودی‌ها به گروه‌های تروریستی درون عراق؛ موجب شده است تا عربستان به طور کامل و با همه امکانات در برابر سیاست‌های ایران ایستادگی کرده و به جنگ‌های نیابتی دامن بزند. (عامری ثقفی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

از مسائل دیگر تغییر شرایط در عراق، انحلال ارتش بعث توسط آمریکا بود. ارتشیان سرخورده در کنار باقیمانده بیش از یکصد هزار نفر اعضای سرویس‌های اطلاعاتی عراق، گارد ریاست جمهوری و فدائیان صدام با توجه به احساس حقارت، انگیزه بیشتری برای برخورد با آمریکا پیدا کردند. از سوی دیگر، آمریکا به منظور تقویت نیروها و کاهش فشار داخلی خویش با ناتمام گذاشتن عملیات در افغانستان، باعث شد تا القاعده بتواند نیروهایش را از افغانستان خارج و در سطح منطقه و به‌خصوص عراق پراکنده کند. با ورود ارتش آمریکا به شهرهای عراق و آشکارتر شدن اهداف این کشور، مخالفت‌های مردمی شروع شد و عملیات‌های انتحاری برضد نیروهای اشغالگر گسترش یافت. همزمان اولین هسته گروه‌های تروریستی و القاعده برای مبارزه با آمریکا شکل گرفت. (واعظی، ۱۳۸۹) سیاست تغییر حکومت در عراق، اقلیت سنی را که از زمان استقلال این کشور قدرت را در دست داشت، وادار کرد تا در رقابت با شیعیان برای کسب قدرت سیاسی به بزرگترین عامل تعیین‌کننده صلح و ثبات در عراق پس از صدام تبدیل شود (نصر، ۱۳۸۳).

بعد از نخست‌وزیری مالکی، از آوریل ۲۰۰۶ سنی‌ها و شورشی‌های بعثی به اقدامات تروریستی بیشتری دست زدند.

به گزارش شفقنا به نقل از العالم (۱۳۹۳)، آمریکا و کشورهای هم‌پیمان او براساس راهبرد موسوم به «لانه زنبور» برای مهار انقلابی‌گری و نفوذ ایران در منطقه، داعش را تشکیل دادند. «وسلی کلارک» فرمانده اسبق آمریکا، این استراتژی را مقابله با حزب‌الله لبنان و محور ضد صهیونیستی اعلام کرده بود. او به سی‌ان‌ان گفته بود؛ برای مهار ایران و حزب‌الله باید به دنبال افرادی بود که تا پای مرگ بجنگند (کیهان، ۱۳۹۴: ۶).

همزمان، نوری مالکی تسویه گروه‌های سنی در کابینه خود را گسترش داد. در دسامبر ۲۰۱۲ او فرمان دستگیری وزیر اقتصاد خود «رفیع علی الساوی» را صادر کرد. این مسأله

باعث ناراحتی و اعتراض «هوشیار زیباری» و اعتراضاتی از سوی شهروندان سنی در «فلوجه» و «رمادی» شد.

«جیمز جفری» سفیر امریکا در عراق به مالکی به دلیل اقدام به دستگیری وزیر کابینه وابسته به گروه‌های سنی و سرکوب شهروندان هشدار داد. وزیر دفاع و دیگر اعضای کابینه امریکا نیز به نوری مالکی اخطار دادند. با وجود این هشدارها، مالکی با گسترش دستگیری رهبران سنی مذهب موجب تظاهرات شهروندان سنی در شهرهای «موصل» «فلوجه» و «رمادی» در دسته‌های چند صد هزار نفری را شد. در کنار این مسائل، بحران بیکاری بویژه میان جوانان سنی مذهب افزایش یافت. گزارش‌ها نشان می‌دهد؛ آمار بیکاری بین جوانان مناطق سنی‌نشین حدود ۴۰ درصد بوده است.

در دسامبر ۲۰۱۳ نوری مالکی خواستار انحلال تجمع اعتراضی در رمادی می‌شود. با ورود نیروهای امنیتی به این شهر، نیروهای داعش دست به کار شده و به بهانه دفاع از سنی‌ها با سازماندهی نظامی گسترده وارد رمادی می‌شوند. این حمله در واقع برگ جدیدی از جنگ داخلی عراق را باز می‌کند و در ابعاد سیستمی‌تر، جنگ مذهبی میان گروه‌های سنی و شیعه را شدت می‌بخشد. پس از آن و با اتمام بحران الحویجه، داعش نیروهای خود را متوجه موصل می‌کند. در ماه ژوئن ۲۰۱۴ داعش تعدادی جنگجوی انتحاری را به شهر موصل گسیل می‌دارد. بالاخره در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ نیروهای داعش نه تنها بدون مقاومت مردمی بلکه با حمایت آن‌ها و فرار ارتش، موفق می‌شود شهر موصل را به سرعت اشغال کند. پس از اشغال این شهر، داعش به منابع مالی و تسلیحاتی فراوانی دست می‌یابد. همچنین با گشودن درب زندان باروش، ۱۴۰۰ نفر که اغلب سنی‌های ناراضی از دولت مالکی بودند را آزاد می‌کند. آن‌ها شهرهای فلوجه و رمادی را نیز به تصرف خود درمی‌آوردند. پس از حمله به این شهر، داعش توانست در ۱۱ ژوئن شهر تکریت مرکز اداری استان صلاح‌الدین و همچنین دیالی (واقع در شمال سامرا) را هم اشغال کند. در پی این حمله شماری از نظامیان داعش به شهر تکریت و ساختمان استانداری تسلط یافته و مرکز پلیس قادسیه را به آتش کشیده و پادگان ضلوعیه در جنوب این شهر را نیز اشغال کردند. پس از آن مناطق تکریت، دهلاویه و یثرب نیز تصرف شد.

تمام این مشکلات به‌علاوه احتمال جدایی کردستان از عراق و وجود بزرگترین گروه تروریستی جهان در این کشور، تهدیدها و فرصت‌هایی برای کشور ما با حدود ۱۶۰۹ کیلومتر مرز با عراق فراهم کرده است که اگر درست مدیریت نشود؛ امنیت داخلی ایران را به خطر انداخته و احتمالاً باعث تقویت تجزیه‌طلبان در برخی از استان‌های مرزی خواهد شد. (Hodajasim and bahma al salem, 2007: 37)

ضرورت امنیت‌سازی در عراق

اهمیت ثبات و امنیت در عراق پس از صدام حسین و میزان تأثیرگذاری آن بر امنیت منطقه و جهان از چند منظر قابل توجه و بررسی است:

نخست؛ اینکه عراق از منظر جامعه‌شناختی با بافت اجتماعی موزاییکی و شکاف‌های متعدد قومی و فرقه‌ای از قابلیت‌های بالایی برای انتقال تنش‌های اجتماعی، ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها به سراسر منطقه برخوردار است.

دوم؛ اینکه تحولات درونی عراق با منافع و برداشت‌های طیف وسیعی از بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران، کشورهای عربی و ترکیه پیوند خورده است. همچنین مناقشات و درگیری‌های داخلی این کشور می‌تواند موجب تشدید اختلافات در سطح منطقه شود. سوم؛ ایجاد امنیت در عراق و موفقیت یا عدم موفقیت آن با منافع و اعتبار جهانی، یکی از قدرت‌های جهانی؛ یعنی ایالات متحده مرتبط است. از این منظر، امنیت عراق پیامدهای عمده‌ای برای سیاست و امنیت بین‌المللی در پی دارد که خود می‌تواند فرصتی برای ایران باشد.

بر این اساس، تحولات عراق به دلیل پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن، شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن ایجاد ثبات و امنیت یک ضرورت اساسی است. ضرورتی که با فوریت و حساسیت‌هایی عمده همراه است و هرگونه تأخیر در آن نتایج ناگواری در پی خواهد داشت. با این وجود، ایجاد ثبات و امنیت در عراق مستلزم همکاری و مشارکت بازیگران متعدد و مؤثر در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. (واعظی، ۱۳۹۰)

سرانجام می‌توان گفت؛ تقویت و حمایت ایران از نقش شیعیان در عراق جدید نه صرفاً براساس تقویت زمینه‌های ایدئولوژیک بلکه باید در قالب استراتژی مشخص در تحولات قدرت و سیاست منطقه‌ای پیگیری شود. لذا، می‌توان با رایزنی‌های دیپلماتیک و تقویت نقش و موقعیت ایران در حوزه‌های رقابت در منطقه خاورمیانه، به‌خصوص منطقه خلیج فارس شرایط را مدیریت کرد. منطقی این استدلال بازی‌های آینده در منطقه خاورمیانه است که برای تثبیت حوزه‌های رقابت و نقش‌ها مهم است. طبیعی است جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر منطقه، سعی در تثبیت نقش خود در این روند انتقالی دارد. از این لحاظ، جایگاه عراق جدید در حوزه سیاست خارجی ایران براساس فراهم آوردن زمینه‌های فرصت‌سازی در مسیر شکل‌گیری نظام امنیت جدید منطقه‌ای خلیج فارس، قابل تعریف است. کریستف رویتر (۲۰۱۵) توانست ۸ بار به سوریه سفر کند و تحقیقاتی انجام دهد که نتایج آن در کتابی تحت عنوان «قدرت سیاه» نگاشته شده است. بخشی از نتایج مطالعه او در روزنامه الشرق الأوسط منتشر گردید:

رویتر می‌نویسد؛ یکی از افسران ارتش صدام حسین، مهم‌ترین طراح و برنامه‌ریز استراتژیک {داعش} بود. او برای انتخاب ابوبکر بغدادی به‌عنوان «خلیفه» در این سازمان برنامه‌ریزی کرد. رویتر برای «الشرق الأوسط» توضیح داد که این افسر، نامش سمیر الخلفاوی ملقب به حاجی ابو بکر بود. او پس از سرنگونی رژیم صدام برای بی‌ثبات کردن امنیت عراق، با رژیم سوریه کار می‌کرد. (رویتر، ۱۳۹۴) با توجه به نکات پیشین، به نظر می‌رسد که قصد رویتر انحراف اذهان از منشأ اصلی پدیده داعش است. در همین جهت، مشخص شده است که هسته اصلی القائده و طالبان با سیاست آمریکا توسط ارتش و اطلاعات پاکستان از میان

مجاهدین ناراضی از شرایط پس از شکست شوروی و کمونیست‌ها در افغانستان، تشکیل گردید.

برزگر در سال ۱۳۸۹ به منظور آزمون این فرضیه که اهداف جمهوری اسلامی ایران بیشتر تدافعی و در جهت افزایش و امنیت نسبی کشور است، پژوهشی انجام داد. او ضمن به-کارگیری نظریه‌های رئالیسم تهاجمی و رئالیسم تدافعی، به تعریف دو رویکرد اصلی «سویی» و «ائتلاف و اتحاد» در منطقه پرداخت. براساس نتایج؛ هدف اصلی افزایش امنیت نسبی و رفع تهدیدات در شرایط ویژه، تشدید ناامنی در مرزهای بلافصل ایران بعد از بحران عراق و جهت‌گیری سیاست خارجی و «ایدئولوژی» است. (برزگر، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

در نهایت تا آنجا که نگارنده دنبال کرده است، تحقیقی میدانی با رویکرد دانشگاهی چه در بخش پژوهشی سازمان‌ها و چه در میان پایان‌نامه‌های دانشجویی در خصوص این موضوع مشاهده نشد. کلیه نوشته‌ها در قالب مقالات مروری و اظهار نظرهای سیاسی‌ها بود که پیش از این به اختصار به آن‌ها اشاره شد.

به‌طور کلی، این تحقیق در پی یافتن پاسخ به این سؤال اصلی بود که آیا پس از سقوط صدام حسین سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدها و بازداری از تهاجم احتمالی از مرزهای مشترک با کشور عراق تأثیر دارد؟ در همین راستا فرضیه‌هایی جهت رسیدن به پاسخ سؤال تحقیق به شرح زیر تدوین شد:

۱- کمک به تقویت و نزدیکی نیروهای سنی، شیعه و کرد با دولت مرکزی بر تهدیدها و بازداری از تهاجم احتمالی از مرزهای مشترک با کشور عراق تأثیر دارد.

۲- ایجاد حس اعتماد میان قبایل مختلف عراق نسبت به ایران بر کاهش محبوبیت گروه‌های تروریستی تأثیرگذار است.

۳- منافع مشترک غرب با ایران و همکاری آن‌ها بر انسجام مقابله با تروریست مؤثر است.

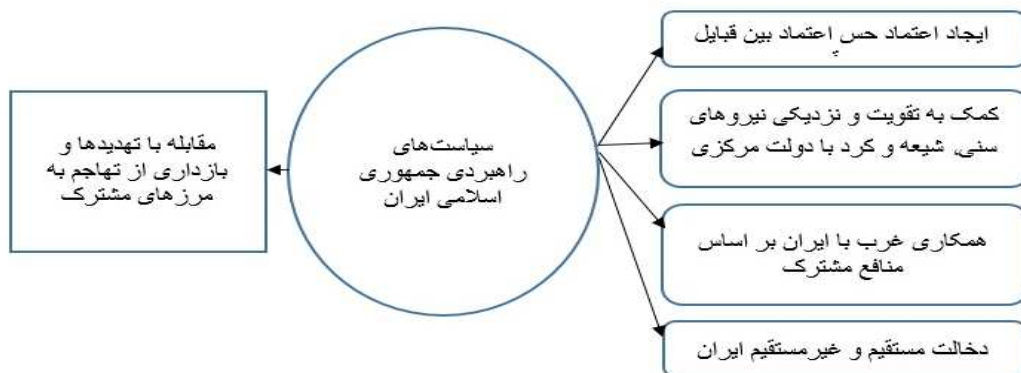
۴- دخالت مستقیم و غیرمستقیم ایران برای کمک به مبارزه مردم عراق با تأکید بر نیروهای شیعه بر حفظ امنیت مرزهای مشترک با عراق در برابر تهدیدها و تهاجم گروه‌های تروریستی تأثیر دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده که با نوع توصیفی و روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه استادان و دانشجویان رشته مدیریت استراتژیک در دانشگاه‌های دولتی، مستقر در تهران بزرگ؛ شامل دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، خوارزمی و... تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری به دلیل نامحدود بودن جامعه آماری، روش در دسترس و تعیین حجم نمونه از طریق جدول مورگان و کرسجی به تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. روایی پرسشنامه‌ها با نظر کارشناسان، استاد راهنما و مشاور تعیین شد. پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۲. در سطح خوبی محاسبه گردید. در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها از روش آزمون تی

تک (T) استفاده شد. همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و تکنیک رگرسیون استفاده شد.

مدل مفهومی



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

یافته‌های تحقیق: تجزیه و تحلیل متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش جنسیت:

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
مرد	۲۰۵	۵۳/۴	۵۳/۴
زن	۱۷۹	۴۶/۶	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	

جدول شماره (۱) فراوانی گروه‌های جنسیتی

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، ۵۳/۴ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۴۶/۶ درصد زن هستند. با توجه به این آمار، به نظر می‌رسد مردان بیشتر از بانوان در حوزه مدیریت استراتژیک اظهار نظر می‌کنند.

سن پاسخ‌دهندگان:

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کمتر از ۳۰ سال	۴۴	۱۱/۵	۱۱/۵
۳۰ تا ۴۰ سال	۱۳۷	۳۵/۷	۴۷/۱
۴۰ تا ۵۰ سال	۱۶۰	۴۱/۷	۸۸/۸
۵۰ سال به بالا	۴۳	۱۱/۲	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	

جدول شماره (۲) فراوانی گروه‌های سنی

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه از لحاظ سن، ۱۱/۵ درصد کمتر از ۳۰ سال بوده‌اند و حدود ۳۵ درصد ۳۰ تا ۴۰ سال، ۴۱/۷ درصد سنین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۱۱/۲ درصد بالای ۵۰ سال داشته‌اند. با توجه به ماهیت موضوع سطوح سنی به نظر منطقی است.

میزان تحصیلات:

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کمتر از کارشناسی ارشد	۱۰۱	۲۶/۳۰	۲۶/۳۰
کارشناسی ارشد	۱۹۸	۵۱/۵۶	۷۷/۸۶
دکتر	۸۵	۲۲/۱۴	۱۰۰
جمع کل	۳۸۴	۱۰۰	

جدول شماره (۳) فراوانی گروه‌های تحصیلی

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌ها از لحاظ میزان تحصیلات، ۲۶/۳۰ درصد پایین‌تر از کارشناسی ارشد، ۵۱/۵۶ درصد کارشناسی ارشد و ۲۲/۱۴ درصد دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده‌اند.

توصیف متغیرهای پژوهش:

شخص فرضیه‌ها	تعداد نمونه	پایین‌ترین آماره	بالا‌ترین آماره	میانگین		انحراف معیار آماره	واریانس آماره
				خطای معیار	شاخص آماری		
الف: کمک به تقویت و نزدیکی نیروهای سنی، شیعه و کرد	۲۱۷	۱/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۲۳۷۹	۳/۶۴۷۵	۰/۳۵۰۴۷	۰/۱۲۳
ب: ایجاد حس اعتماد بین قبایل	۲۱۷	۱/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۳۶۳۸	۳/۵۴۲۶	۰/۵۳۵۹۵	۰/۲۷۸
ج: منافع مشترک غرب با ایران	۲۱۷	۱/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۲۲۰۷	۱/۹۵۶۲	۰/۳۲۵۱۴	۰/۱۰۶
د: کمک به مبارزه مردم عراق	۲۱۷	۱/۰۰	۴/۰۰	۰/۰۲۵۹۹	۱/۷۳۷۳	۰/۳۸۲۸۱	۰/۱۴۷
Valid N (listwise)	۲۱۷						

جدول شماره (۴) تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق

با توجه به جدول شماره ۴، کلیه متغیرهای تحقیق و ابعاد آن‌ها از نظر شاخص‌های آماری به شرح جدول زیر می‌باشد. به عنوان مثال برای شاخص‌های فرضیه اول مینیمم نظرات مقدار ۱ و ماکزیمم نظرات مقدار ۴ و میانگین و انحراف معیار نظرات به ترتیب به میزان ۳/۶۴۷۵ و ۰/۳۵۰۴۷ می‌باشد.

آزمون نرمال بودن داده‌ها : بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها (آزمون کولموگروف-اسمیرنوف)

متغیر	تعداد نمونه	آماره آزمون	مقدار Sig	نتیجه آزمون
میانگین شاخص‌های فرضیه اول (کمک به تقویت و نزدیکی نیروهای سنی، شیعه و کرد)	۲۱۷	۰/۶۹	۰/۷۳	توزیع نرمال
میانگین شاخص‌های فرضیه دوم (ایجاد حس اعتماد بین قبایل)	۲۱۷	۱/۳۵	۰/۶۲۱	توزیع نرمال
میانگین شاخص‌های فرضیه سوم (منافع مشترک غرب با ایران)	۲۱۷	۱/۴۳	۰/۳۵	توزیع نرمال
میانگین شاخص‌های فرضیه چهارم (کمک به مبارزه مردم عراق)	۲۱۷	۱/۵۵	۰/۱۹	توزیع نرمال

جدول شماره (۵) نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، سطوح احتمال (مقدار P) در کلیه متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از سطح خطا ۰,۰۱ می‌باشد. با توجه به مقدار P و پذیرش فرضیه صفر، توزیع داده‌ها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد می‌گردد. بنابراین، می‌توان برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: کمک به تقویت و نزدیکی نیروهای سنی، شیعه و کرد با دولت مرکزی بر تهدیدها و بازداری از تهاجم احتمالی از مرزهای مشترک با کشور عراق تأثیر دارد.

شرح	میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف از میانگین	
					حد اقل	تفاوت میانگین در سطح اطمینان
فرضیه ۱	۳/۶۴۷۵	۴۸/۲۳۰	۲۱۶	۰/۰۰۰	۱/۱۴۷۴۷	۰/۹۵
					حد اکثر	حد اقل
					۱/۱۹۴۴	۱/۱۰۰۶

جدول شماره (۶) تحلیل آماری فرضیه اول

با توجه به جدول شماره (۶)، سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۰ می‌باشد و از سطح معناداری که برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده، کوچک‌تر است. بنابراین و با توجه به مقدار میانگین (۳/۶۴) فرض صفر پذیرفته نشد. به عبارتی؛ کمک به تقویت و نزدیکی نیروهای سنی، شیعه و کرد با دولت مرکزی بر تهدیدها و بازداری از تهاجم احتمالی از مرزهای مشترک با کشور عراق تأثیر دارد.

فرضیه دوم: ایجاد حس اعتماد میان قبایل مختلف عراق نسبت به ایران بر کاهش محبوبیت گروه‌های تروریستی تأثیر دارد.

شرح	میانگین	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف از میانگین	تفاوت میانگین در سطح اطمینان ۰/۹۵	
						حداقل	حداکثر
فرضیه ۲	۳/۴۵۲۶	۲۸/۶۵۸	۲۱۶	۰/۰۰۰	۱/۰۴۲۶۳	۰/۹۷۰۹	۱/۱۱۴۳

جدول شماره (۷) تحلیل آماری فرضیه دوم

با توجه به جدول شماره (۷) که سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۰ می باشد و از سطح معناداری برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده، کوچک تر است و همچنین با توجه به مقدار میانگین، فرض صفر پذیرفته نشد. بدین معنی که ایجاد حس اعتماد میان قبایل مختلف عراق نسبت به ایران بر کاهش محبوبیت گروه های تروریستی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: منافع مشترک غرب با ایران و همکاری آنها بر انسجام مقابله با تروریست تأثیر دارد.

شرح	میانگین	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف از میانگین	تفاوت میانگین در سطح اطمینان ۰/۹۵	
						حداقل	حداکثر
فرضیه ۳	۲/۹۵۶۲	-۲۴/۶۳۷	۲۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۵۴۳۷۸	-۰/۵۸۷۳	-۰/۵۰۰۳

جدول شماره (۸) تحلیل آماری فرضیه سوم

با توجه به جدول شماره (۸) که سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۰ می باشد و از سطح معناداری برابر ۰/۰۵ کوچکتر است؛ و با توجه به مقدار میانگین، فرض صفر پذیرفته نمی شود. بدین معنی که منافع مشترک غرب با ایران و همکاری آنها بر انسجام مقابله با تروریست تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: دخالت مستقیم و غیرمستقیم ایران در کمک به مبارزه مردم عراق با تأکید بر نیروهای شیعه برای حفظ امنیت مرزهای مشترک با عراق در برابر تهدیدها و تهاجم گروه های تروریستی تأثیرگذار است.

شرح	میانگین	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف از میانگین	تفاوت میانگین در سطح اطمینان ۰/۹۵	
						حداقل	حداکثر
فرضیه ۴	۱/۷۳۷۳	-۲۹/۳۴۹	۲۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۶۲۶۷	-۰/۸۱۳۹	-۰/۷۱۱۵

جدول شماره (۹) تحلیل آماری فرضیه چهارم

با توجه به جدول شماره (۹) که سطح معناداری بدست آمده ۰/۰۰۰ می باشد و از سطح معناداری که برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شده، کوچکتر است و با توجه به مقدار میانگین، فرض صفر پذیرفته شد. بدین معنی که دخالت مستقیم و غیرمستقیم ایران در کمک به مبارزه مردم عراق با تأکید بر نیروهای شیعه بر حفظ امنیت مرزهای مشترک با عراق در برابر تهدیدها و تهاجم گروه های تروریستی تأثیر ندارد. در جدول مینیمم و ماکسیسم پاسخ افراد به تفکیک گروه های تحصیلی و فرضیه های تحقیق به انضمام میانگین آنها آورده شده است

نتیجه‌گیری و بحث

فرضیه اول؛ تحقیق مبنی بر کمک به تقویت و نزدیکی نیروهای سنی، شیعه و کرد با دولت مرکزی بر تهدیدها و بازداری از تهاجم احتمالی از مرزهای مشترک با کشور عراق تأثیر دارد، مورد تأیید قرار گرفت که این نتیجه با نظر واعظی تا حدودی همخوان بوده و همچنین نظر ثقفی عامری مبنی بر اتحاد ایدئولوژیک در برابر داعش.

فرضیه دوم؛ ایجاد حس اعتماد میان قبایل مختلف عراق نسبت به ایران که بر کاهش محبوبیت گروه‌های تروریستی تأثیر دارد نیز مورد تأیید قرار گرفت که این نتیجه نیز به نظر فولر نزدیک می‌باشد.

فرضیه سوم؛ منافع مشترک غرب با ایران و همکاری آن‌ها که بر انسجام مقابله با تروریست تأثیر دارد نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه فرضیه سوم نیز با نظرات سه‌گانه واعظی می‌تواند هماهنگ باشد و همچنین با دیدگاه جیمز جفری، سفیر آمریکا در عراق هم‌راستا می‌باشد در حالیکه با دیدگاه مسئولین عربستان سعودی در تعارض است.

فرضیه چهارم؛ دخالت مستقیم و غیرمستقیم ایران در کمک به مبارزه مردم عراق با تأکید بر نیروهای شیعه بر حفظ امنیت مرزهای مشترک با عراق که در برابر تهدیدها و تهاجم گروه‌های تروریستی تأثیر دارد، مورد تأیید قرار نگرفت. عدم تأیید این فرضیه را می‌توان در مقایسه با بیشتر گفته‌های کارشناسان اعم از واعظی، برزگر، رویترو... نزدیک دانست. به‌طور کلی از یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که ایران باید در برابر تهدیدها و بازداری از تهاجم احتمالی از مرزهای مشترک با کشور عراق استراتژی‌های مشخصی را دنبال کند. لذا، می‌توان با تاکتیک تقویت نظامی و لجستیک عادلانه، نگرش تمامی قبایل سنی، شیعه و کرد را نسبت به ایران مثبت کرد و به آنها در خصوص حمایت ایران اطمینان داد. از این طریق حساسیت به‌وجود آمده گروه‌های سنی عراقی و همچنین منطقه را در مورد طرفداری ایران فقط از گروه‌های شیعه و نیز دخالت و تصرف عراق را توسط ایران، می‌توان برطرف کرد. همچنین این تاکتیک می‌تواند از محبوبیت و تبلیغات داعش و سایر گروه‌های تروریستی بکاهد. لذا با اتحاد میان قبایل مختلف شیعه، سنی و کرد برضد داعش و سایر گروه‌های تروریستی، امنیت مرزها تأمین شود. همچنین تنش به‌وجود آمده در منطقه که توسط تئوری هلال شیعه و بسط قدرت هژمونی ایرانی به وجود آمده را کم کرده و آرامشی در عراق و منطقه حاکم شد. به‌علاوه ایران می‌تواند در مواردی با اتحاد و همکاری غرب از کارشکنی کشورهای رقیب از جمله؛ ترکیه و عربستان در تأمین لجستیک و تأمین مالی این گروه‌های تروریستی در عراق و منطقه جلوگیری کرده تا از این طریق بتواند این گروه‌ها را تضعیف و درنهایت از بین ببرد.

پیشنهاد‌های مبتنی بر نتایج تحقیق

برای کاهش جذب جوانان توسط این گروه‌های تروریستی در منطقه، علاوه بر اقدام صرف نظامی در برابر این گروه‌ها، با انجام تبلیغات مدرن رسانه‌ای، به مبارزه با ترویج این افکار

خشونت‌آمیز ادامه دهیم، به علت اینکه در پشت این افکار تروریستی یک ایدئولوژی پنهان است و نمی‌توان این ایدئولوژی را فقط از طریق نظامی از میان برد. بدین منظور، باید نه فقط از طریق واعظان بلکه با کمک روشنفکران دینی در جهان اسلام که نگاه متفاوتی نسبت به فقه اسلامی دارند و ترویج افکار این افراد در بین مردم از طریق رسانه به مبارزه با این افکار پرداخته شود تا پایه‌های ایدئولوژی این خشونت را به آهستگی بخشکانیم. توصیه می‌شود در تحقیقات آتی، مباحث فلسفی ایدئولوژی این گروه‌های تروریستی تحقیق شود تا بتوان ایرادات فلسفی این ایدئولوژی نمایان‌تر و با راهکارهای معین از بسط این فکر و پیوستن افراد به این گروه‌ها جلوگیری شود.

کتابنامه

الف - فارسی

۱. ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۸)، *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، تهران: انتشارات سمت. ص ۲۳
۲. اسدی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، گذر از خصومت به درستی، روابط ایران و عراق، بایدها و نبایدها، تهران: مرکز مطالعات استراتژیک، شماره ۱۰، ص ۱۱
۳. برزگر، کیهان، (۱۳۸۵)، «تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه‌های روابط خصمانه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر»، راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۶۵.
۴. برزگر، کیهان، (۱۳۹۴)، نقد و بررسی مناطق حیاتی خاور میانه، نشست، مرکز مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۵۸.
۵. پارسا، منوچهر، (۱۳۸۰)، *زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق*، تهران: نشر پیکان. ص ۶۸ و ۱۷۹
۶. توکلی، اسدالله و مصباحی محمد رضا، (۱۳۷۸)، عراق ۱۵۰۰ - ۱۹۰۰، *تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی ص ۷۱-۶۳
۷. دهشیار، حسین، (۱۳۹۰)، ۱۱ سپتامبر استراتژی بزرگ امریکا، گزیده تحولات جهان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات تحقیقات بین‌الملل، شماره ۷، ص ۲۶
۸. رفیعی، رفیع، (۱۳۷۹)، *تاریخ جدید کشورهای عربی*، ترجمه رفیع رفیعی، تهران: انتشارات سمت. ص ۲۱۷
۹. رمضانزاده، اکبر (۱۳۸۹). روابط ایران و عراق پس از پایان جنگ مسائل و تحلیل‌ها، سایت پژوهشگاه فرهنگ و معارف دفاع مقدس، *ماهنامه نگاه*، ش ۱۶، ۱۵، قابل دسترسی در:
۱۰. روزنامه کیهان، *دعش را ما بوجود آوردیم*، قابل دسترسی در:

<http://dsrc.ir/View/article.aspx>

۱۱. سایت خبری - تحلیلی بازتاب، (۱۳۸۵)، اظهارات حسنی مبارک، مورخ ۲۱ فروردین.
۱۲. شفیعی سروستانی، اسماعیل؛ (۱۳۹۱)، *دانشستان سرزمین‌های درگیر در واقعه شریف‌ظهور*، جلد دوم، (عراق، عربستان و یمن)، تهران: موعود عصر (عج)، ۷۳-۶۹.
۱۳. عامری، ناصر (۱۳۸۵)، *عراق جدید و تغییرات ژئوپولوتیک*، تهران: راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۱۷
۱۴. علی احمدی، علی رضا، (۱۳۸۷)، *نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک*، تهران: انتشارات تولید دانش. ص ۱۱.
۱۵. علیزاده، فاطمه، (۱۳۹۱)، *بررسی مناقشه‌های ایران و عراق بر سر ازبوند رود از زمان تشکیل عراق تا پایان جنگ هشت ساله*، سیستان و بلوچستان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی.
۱۶. فولر، گراهام و رحیم فرانکه (۳۸۴)، *شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده*، ترجمه خدیجه تبریزی، تهران - قم: انتشارات مرکز شیعه‌شناسی، صص ۱۷۲-۱۷۱.
۱۷. لاریجانی، اسماعیل، (۱۳۹۰)، *بررسی سوابق مناقشات مرزی ایران و عراق*، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
۱۸. لوی، جک اس، مایک فروئلیچ، (۱۳۹۰)، *علل وقوع جنگ ایران و عراق*، ترجمه یعقوب نعمتی و روحنی، نگین ایران، *فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس*، سال دهم، شماره سی و هفتم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۳۲ - ۱۱۷.
۱۹. نصر، ولی رضا، (۱۳۸۳). *پیامدهای منطقه‌ای تجدید حیات شیعه در عراق*، ترجمه وحیدرضا نعیمی، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۳۴.
۲۰. واعظی، محمود، (۱۳۸۷)، *امنیت‌سازی در عراق: بازیگران و رویکردها*، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.
۲۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۳)، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی جلد دوم*، تهران: نشر امیرکبیر، ص ۱۲۳.
۲۲. یادگاری، عبدالصاحب، (۱۳۸۲)، *سیاست و استعمار در خاورمیانه*، قم: انتشارات کانون نشر اندیشه‌های اسلامی. ص ۱۷۵

ب- منابع لاتین

23. Hodajasing and bahma al salem, (2007). *The Awakenhing council: Iraq; Anti al-queda Sunni Militas.*
24. Keohane, Robert (2012), *After Hegemony Cooperation and discard in the world Political Economy*, New Sersey Princeton, pp.32-33.
25. Levy, S, Jack and Mike Froelich, In James Brown and William P. Snyder, eds. (1985), *Causes of the Iran-Iraq War, the Regionalization of War*. New Brunswick, NJ: Transaction Books, Pp. 127-143.
26. Rubin, Michael (2001). *The Iraqi People Want to Know When Mr. Bush Will Get Tough*, *The Daily Telegraph*, August 13, 2001: 23

27. Reidar Visser (2005). Basra, The Failed Gulf State: *Separatism and Nationalism in Southern Iraq*. Lit Verlag Munster. P.89. ISBN 978-3-8558.

28. Reuter, Christopher (2015). Die schwarze Macht: Der „Islamische Staat“ und die Strategen des Terrors, Spiegel Buchverlag. Available at:

29. www.buch.de/shop/home/rubrikartikel/D41126384.html?Provid=10910550

30. Smith, Steve (2001), The End of Unipolar Moment, September 11 and future of world order, *New York social science Research council*.